

بررسی مدیریت سازمانی روزنامه‌های دنیای اقتصاد و سرمایه

آنی میرزاکحانیان، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق (قیامدشت) (نویسنده و عهده دار مکاتبات)
Ani.mirzakhania@gmail.com

چکیده:

پژوهش حاضر طی سال‌های ۸۷-۸۸ در دو روزنامه اقتصادی «دنیای اقتصاد» و «سرمایه» با متد پیمایشی و مصاحبه‌ای انجام گرفت. نمونه‌های آماری این تحقیق ۳۵ روزنامه نگار و دست‌اندرکار در این دو روزنامه‌ها بودند. شیوه نمونه‌گیری بصورت تصادفی انجام گرفت. فرضیه‌ها و پرسش‌های این طرح غالباً پیرامون مشکلات سازمانی تحریریه اعم از قواعد حرفه‌ای تعامل مدیران روزنامه با روزنامه نگاران و دیگر دست‌اندرکاران این دو روزنامه بوده‌است. از سوی دیگر پژوهشگر در وجوه انضمامی و تبعی به اخلاق روزنامه‌نگاری نیز نظر داشته‌است. اگرچه پیدایش موفقیت‌ها و ناکامی‌ها در پژوهش‌های پیمایشی نسبت به دیگر متدهای تحقیقی و پژوهشی غالباً قرین به حقیقت است اما به رغم آن، در این پژوهش سعی شده‌است که در هر دو روزنامه و تقریباً در سطوح بالا با مدیران و دبیران این دو روزنامه مصاحبه‌های عمقی نیز صورت گیرد. ما حاصل این مصاحبه‌ها در بخش معایب و محاسن نیز آمده و استدلال و براهین آن در تحلیل‌ها هم بکار گرفته شده‌است.

آنچه که در زیر می‌آید ماحصل این پژوهش است که اکثریت گمانه‌ها و فروض پژوهشگر در باب قواعد حرفه‌ای و اخلاق حرفه‌ای حاکم بر روزنامه نگاران با مدیران و بالعکس بر صحت و درستی آن تاکید دارند.

در ابتدای پژوهش، پژوهشگر بر این گمان بود که بسیاری از قواعد حرفه‌ای در این دو سازمان‌های تحریریه نادیده گرفته می‌شود و روزنامه نگاران به تدریج به سمت اداری بودن و عضوی ساده در یک سازمان اداری بورکراتیک تبدیل می‌شوند و روزنامه‌ها پس از رشد نسبی در تیراژ و جذب آگهی‌ها آرام آرام به سمت بورکراتیک شدن پیش می‌روند و از موقعیت خبری و به روز بودن فاصله می‌گیرند. به همین تناسب نیز از قواعد حرفه‌ای دور می‌مانند.

واژگان کلیدی: مدیریت، اقتصاد رسانه، منابع انسانی، ارتقاء سازمانی و دانش و تخصص روزنامه نگاری

مقدمه

مدیریت مطبوعات و تامین منابع مالی آن طی سال‌های اخیر به تناوب افزایش تورم، کاهش و سپس حذف سوبسید و حمایت‌های دولتی، افزایش مطالبات صنفی روزنامه نگاران به تدریج نیازمند مطالعه مجدد و واریسی راه‌های بهینه‌سازی آن است. از سوی دیگر، «نقش‌های حساس وسایل ارتباط جمعی در جوامع معاصر و به‌ویژه، نقش برجسته آنها در آگاهی‌دهی و هوشیارسازی همگانی و حراست و دفاع از آزادی و دموکراسی و همچنین پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها، ایجاب می‌کنند، که به تأمین استقلال و آزادی روزنامه‌نگاران، برای توانا تر ساختن آنان به حقیقت‌جویی و عینی‌گرایی در گزارش رویدادها و دگرگونی‌ها و تحلیل و تفسیر آنها، توجه ویژه‌ای معطوف گردد. به همین جهت، با در نظر گرفتن آنکه فعالیت روزنامه‌نگاری یک خدمت مهم اجتماعی، به منظور حفظ منافع و مصالح همگانی شناخته می‌شود، وابستگی مؤسسات مطبوعاتی و سایر رسانه‌های جمعی به قدرت سیاسی دولت یا قدرت اقتصادی سرمایه، با اصل انتشار آزادانه مطبوعات و رسانه‌های دیگر و استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و از جمله استقلال تحریریه‌ای آنان، تعارض پیدا می‌کند.» (معتدنازاد، ۱۳۸۷، همشهری آنلاین)

اگرچه این نوع وابستگی تنها بخشی از فرایند معیوب مدیریت رسانه است اما معضلات مهمتری در سالهای اخیر باعث شده‌است که در کنار وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی آشکارا روزنامه‌ها را از مسیر واقعی خود منحرف سازد. در مقاله کوشش خواهیم کرد بهره‌وری منابع انسانی و نوع مدیریت دو روزنامه اقتصادی - دنیای اقتصاد و سرمایه - را از حیث مدیریت انسانی، اقتصاد رسانه، چگونگی هدایت و بهره‌وری انسانی و حقوق صنفی روزنامه نگاران مورد توجه قرار دهیم.

بیان مسئله

طی یک دهه اخیر، مطبوعات و اساساً کیفیت نحوه اداره رسانه‌ها به تبع تحولات بیرون ایران از رشد چشمگیری برخوردار شده‌است، پیش از این جز یکی دو روزنامه بزرگ همچون کیهان و اطلاعات روزنامه‌ها از سازمان تحریریه بزرگ و منسجمی برخوردار نبودند، در سال‌های پس از انقلاب این روزنامه‌ها نیز به تبع اتفاقاتی که در کانون انقلاب روی داده بود دچار تغییرات عمده گشته و سمت و سوی دیگری یافتند. در واقع، جز مدیریت و سازماندهی بزرگ، توان جذب نیروی انسانی حاذق و کارآمد تا سال‌ها از دستور کار مطبوعات ایران خارج و روزنامه‌ها تبدیل به دستگاه ادارات دولتی شده بودند که کار روزانه خود را به انجام می‌رساندند.

بدین ترتیب، طی سال‌های اخیر، و پس از تحولات چشمگیر دنیای رسانه اهمیت و ضرورت نیروی انسانی ماهر و نیز خدمات رسانی به آنان در دستور کار همه روزنامه‌های معتبر جهان قرار گرفت. به همین نسبت اداره روزنامه‌های بزرگ با سازوکار نظام اقتصادی بخش خصوصی دستخوش پیچیدگی‌هایی شد که از چارچوب یک روزنامه شبه دولتی خارج گشته و به هیأت یک سازمان تو در توی اقتصادی درآمده‌است. در کشور ما، علیرغم تحولات چشمگیر رسانه‌ای اهمیت منابع انسانی و نیز تغییرات ساختار در هزینه - فایده یک روزنامه همچنان با الگوبرداری از گذشته انجام می‌گیرد. طبیعی است که روزنامه‌های دنیای اقتصاد و سرمایه، از این امر مستثنی نیستند، خاصه روزنامه دنیای اقتصاد، طی پنج سال انتشار خود، توانسته به توسعه و ثبات خود انسجامی بیشتری دهد و هم‌اینک به لحاظ مکانیزم اقتصادی یکی از موفق‌ترین روزنامه کشور و موفق‌ترین روزنامه اقتصادی ایران محسوب می‌شود. روزنامه سرمایه با جذب منابع انسانی مطلوب و سقف فراوانی بیش از یک سازمان تحریریه معمولی و هزینه‌های انتشار بسیار بالا در ردیف دومین روزنامه اقتصادی قرار دارد.

در این طرح برآنیم که با بررسی کمی و کیفی [آپیمایشی و مصاحبه]، روابط اقتصادی اجتماعی روزنامه‌های فوق‌الذکر را مورد ارزیابی قرار دهیم و آنچه که هنوز به عنوان یک مسئله در این روزنامه‌ها به چشم می‌خورد این است که چگونه این روزنامه‌ها با جذب آگهی‌های قابل توجه و بهینه‌سازی در هزینه - فایده روزنامه در افزایش بهره‌وری نیروهای

انسانی چندان توفیقی حاصل نمودند. معیشت، گذران زندگی و ارتقاء کیفی و صنفی منابع انسانی در روزنامه‌های فوق الذکر که هم اینک یکی از مشکلات جدی این روزنامه هاست را بیشتر مد نظر قرار دهیم و برآنیم که روابط منابع انسانی را با روزنامه مورد ارزیابی قرار دهیم.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق:

منابع انسانی از اهمیت فوق العاده‌ای در مطلوبیت نهایی یک روزنامه برخوردار است. یقیناً نهال نوپای یک روزنامه تنها با تزریق منابع مالی نمی تواند به کیان و هستی خود ادامه دهد، جز آنکه به توسعه انسانی آن توجه بلیغ گردد. منابع انسانی به تجربه دریافته شده که هسته اصلی و بالاترین سرمایه یک روزنامه است، از همین رو، باید کوشش شود که ارزنده‌ترین دارایی یک روزنامه چنان به حیات خود ادامه دهد که کیفیت بقاء آن بتواند به توسعه روزنامه بیانجامد. طی دهه‌های اخیر، این مهم حاصل شده که سود و زیان یک رسانه اعم از دیداری - شنیداری رابطه مستقیمی با نیروی انسانی ماهر دارد. ظهور و تداوم روزنامه‌های بزرگی چون نیویورک تایمز، وال استریت ژورنال، آساهی شیمیون، هرالد تریبون، یو.اس.ای تودی همگی موید این گزینه اند. به دیگر سو، «باید دانست که چگونه روزنامه یو.اس آ تودی توانست پا به عرصه انتشار بگذارد؟ چرا شبکه‌های تلویزیون‌های کابلی، هوم باکس آفیس، شوتایم، یو اس آ نت ورک و فامیلی نت ورک و دیگر شبکه‌های کابلی قابل ملاحظه‌ای از بینندگان خود را از دست داده اند اما مخاطبان شبکه‌های مستقل چندان کاهش نیافته اند؟» (پیکارد، ۱۳۸۳، ص ۷)

به نظر می‌رسد که ظهور و سقوط روزنامه‌ها در ایران هم خالی از این امر نباشد که این دو رابطه مستقیمی با هم دارند. هزینه - فایده یک روزنامه با ارتقاء سطح کیفی منابع انسانی ارتباط روشنی دارد. مسئله نیروی انسانی یکی از مهمترین مباحث حول روزنامه‌نگاری است که بحث‌های جدی طی سال‌های اخیر در جامعه ایران ایجاد کرده است و به تدریج به یک فصل از مباحث آکادمیک در پاره‌ای از دانشگاه‌های جهان از جمله کشورهای هند، مالزی و استرالیا گشته است.

چهار چوب نظری

این تحقیق براساس مراتب نیازهای تئوری مزلو پایه گذاری شده است.

سلسله مراتب نیازها

۱ - نیازهای فیزیولوژیکی Physiological needs

۲ - نیاز به ایمنی Safety needs

۳ - نیازهای عشق و تعلق داشتن Belongingness and love needs

۴ - نیاز به احترام Esteem needs

۵ - نیاز به خودشکوفایی self-actualization need

در یک پروسه سازمانی وقتی نیازها بنا به الویت‌های انسانی تامین نمی شود و دو طرف مدیریت و اعضای یک سازمان در دو قطب مثبت و منفی قرار می‌گیرند، این دو قطب در نهایت بیش از آن که به همدیگر نیرو و انرژی ببخشند، در تضعیف همدیگر عمل می‌کنند. اختلال در هر کدام از نیازهای مزلو منجر به اختلال در کلیت اداره یک رسانه می‌شود. مهمتر آنکه آخرین نیاز انسانی مزلو - خودشکوفایی - بیش از دیگر نیازها در سلسله مراتب انسانی مطرح نظر است. تولید خلاقیت‌های ذهنی یکی از مهمترین شاخصه تولید در رسانه هاست و این امر اگر در اعضای سازمان‌ها حادث تامین نشود یکی از مهمترین آسیب‌های سازمانی روی خواهد داد.

در چارچوب این طرح، آنچه که از آبراهام مزلو وام می‌گیریم رابطه مدیریت سازمانی با اعضای سازمان در بستر نیازهایی است که کارکنان یا روزنامه نگاران بدان نیازمندند. چگونگی تامین مالی، تامین جانی، امنیت روانی و خودشکوفایی که در فرد فرد روزنامه نگاران روی می‌دهد. (کونتز، ۱۳۷۰، ص ۲۳۳)

اهداف طرح:

- ۱- بررسی کیفیت منابع انسانی موجود در روزنامه‌های فوق الذکر
- ۲- بررسی رابطه بین کیفیت روزنامه‌ها با سطح دانش و تخصص روزنامه نگاران
- ۳- چگونگی دستمزد روزنامه نگاران نسبت به ساعات و حجم کار
- ۴- چگونگی تعامل مدیریت روزنامه با روزنامه نگاران
- ۵- چگونگی رتبه بندی و منزلت حرفه‌ای روزنامه نگاران در سنوات مختلف
- ۶- چگونگی تسهیلات و پاداش و مزایای روزنامه نگاران نسبت به حجم و کیفیت کار
- ۷- چگونگی ارتقاء کاری روزنامه نگاران در سازمان تحریریه
- ۸- دانش عمومی و تخصصی مدیران ارشد روزنامه نسبت به مسئولیت آنان
- ۹- چگونگی جابجایی روزنامه نگاران (استعفا، عزل مدیریتی، اخراج از روزنامه) در سازمان تحریریه
- ۱۰- کیفیت آموزش و مهارت حرفه‌ای و تخصصی روزنامه نگاران

فرضیه‌ها:

۱. به نظر می‌رسد ارتقاء و منزلت منابع انسانی در کیفیت روزنامه موثر است
۲. به نظر می‌رسد سطح دانش و تخصص روزنامه نگاران در کیفیت روزنامه‌های فوق الذکر و فعالیت آنان موثر نباشد
۳. به نظر می‌رسد دستمزد روزنامه نگاران در این روزنامه‌ها براساس حجم کار یا ساعات کار باشد
۴. به نظر می‌رسد تعامل مدیران ارشد روزنامه در روزنامه‌های فوق الذکر بر بازده منابع انسانی موثر باشد
۵. به نظر می‌رسد که روزنامه نگاران این روزنامه‌ها احساس فایده و ارزشمندی نمی‌کنند
۶. به نظر می‌رسد تسهیلات و مزایای روزنامه نگاران براساس حجم کار و یا کیفیت کاری محاسبه نمی‌شود
۷. به نظر می‌رسد روزنامه نگاران براساس فعالیت خود از ارتقاء سازمانی برخوردار نیستند
۸. به نظر می‌رسد که مدیران ارشد این روزنامه‌ها از تخصص یا دانش عمومی مطلوبی برخوردار هستند
۹. به نظر می‌رسد روند جابجایی روزنامه نگاران از یک روزنامه به روزنامه دیگر یا از یک سرویس به سرویس دیگر روند رضایت بخشی را طی نکند
۱۰. به نظر می‌رسد کیفیت آموزشی و مهارت‌های تخصصی در کیفیت روزنامه اثر گذار باشد
۱۱. به نظر می‌رسد فضای تولید خبر و تولید آگهی از قوانین حرفه‌ای برخوردار نباشد
۱۲. به نظر می‌رسد روزنامه‌های موجود به نسبت در خط مشی و استراتژی خود پایبندی ندارند

پرسش‌های طرح:

- ۱- آیا ارتقاء و منزلت منابع انسانی در کیفیت روزنامه‌های دنیای اقتصادی و سرمایه موثر است؟
- ۲- آیا سطح دانش و تخصص روزنامه نگاران در کیفیت روزنامه‌های فوق الذکر و فعالیت آنان موثر است؟
- ۳- آیا دستمزد روزنامه نگاران در این روزنامه‌ها براساس حجم کار یا ساعات کار است؟
- ۴- آیا چگونگی تعامل مدیران ارشد روزنامه در روزنامه‌های فوق الذکر بر بازده منابع انسانی موثر است؟

- ۵- آیا روزنامه نگاران این روزنامه‌ها احساس می‌کنند که مفید و ارزشمند واقع شده‌اند؟
- ۶- آیا تسهیلات و مزایای روزنامه نگاران براساس حجم کار و یا کیفیت کاری محاسبه می‌شود؟
- ۷- روزنامه نگاران براساس فعالیت خود از ارتقاء سازمانی برخوردار می‌شوند؟
- ۸- آیا مدیران ارشد این روزنامه‌ها از تخصص یا دانش عمومی مطلوبی برخوردار هستند؟
- ۹- روند جابجایی روزنامه نگاران از یک روزنامه به روزنامه دیگر براساس چه ضرورتی صورت می‌گیرد؟
- ۱۰- کیفیت آموزشی و مهارت‌های تخصصی در کیفیت روزنامه اثر گذار است؟
- ۱۱- آیا فضای تولید خبر و تولید آگهی از قوانین حرفه‌ای برخوردار است؟
- ۱۲- آیا روزنامه‌های موجود نسبت در خط مشی و استراتژی خود پایبندی دارند؟

پیشینه تحقیق:

در پیشینه این بحث یک رساله دکتری و دو رساله کارشناسی ارشد به موضوع این رساله به جهت شکلی و محتوای طرح، همگونی نسبی داشته‌اند.

- علی اصغر محکی - مدیر مسئول همشهری - در رساله کارشناسی ارشد خود همین مباحث را با عنوان "مدیریت سازمانی موجود و مطلوب مطبوعات ایران" مد نظر قرار داده است. (محکی، علامه طباطبایی، ۱۳۷۷)
- دکتر امید علی مسعودی - رئیس دانشگاه ارتباطات سوره - در رساله دکتری خود میزان رضایتمندی شغلی روزنامه نگاران زن را مورد توجه قرار داده است. (مسعودی، دانشگاه آزاد، ۱۳۸۱)
- تحقیق دیگر متعلق به سعید ارکان زاده یزدی است، وی مدیریت سازمانی فرهنگی و حرفه‌ای را موضوع خود قرار داده است. (ارکان زاده، علامه طباطبایی، ۱۳۸۳)

مشخصات اجرایی طرح:

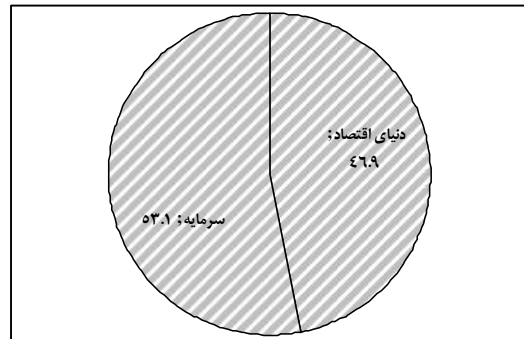
روش تحقیق: روش میدانی

جامعه آماری: اعضای تحریریه روزنامه‌های دنیای اقتصاد، و سرمایه
 متغیر مستقل: کیفیت منابع انسانی (سن، جنس، دانش و تخصص، مهارت‌های انسانی، امنیت حرفه‌ای)
 متغیر وابسته: کیفیت روزنامه (رعایت اصول حرفه‌ای روزنامه، کیفیت در نشر، دقت و صحت مطالب)
 جامعه آماری: اعضای روزنامه نگاران دو روزنامه فوق‌الذکر
 روش نمونه‌گیری: تصادفی

نمونه آماری: ۳۵ روزنامه نگار و کارمند روزنامه‌های دنیای اقتصاد و سرمایه

وضعیت روزنامه نگارانی که حاضر به پاسخگویی شدند

نام روزنامه	فراوانی	درصد
دنیای اقتصاد	30	46.9
سرمایه	34	53.1
جمع	64	100.0



انتشار روزنامه‌های «دنیای اقتصاد» و «سرمایه» حاصل نوع نگاه جدیدی در تاریخ مطبوعات ایران بود که هر دو در یک فضای مشترک و به تقریب با یک دیدگاه نسبتاً هماهنگ و در خلا مطبوعات سیاسی وارد عرصه سازوکار مطبوعات شد. پایان سال‌های دهه هفتاد و پس از توقیف فله‌ای بیش از ۲۰ روزنامه و ماهنامه سیاسی و پس از محاق رفتن بسیاری از روزنامه نگاران سیاسی، آرام آرام روزنامه‌هایی در ایران شکل گرفت که به صبغه اقتصادی صرف یا اقتصاد سیاسی داشت. روزنامه‌های «صبح اقتصاد»، «جهان صنعت»، «هدف و اقتصاد»، «اقتصاد پویا»، «پول»، «عصر اقتصاد»، «سرمایه» و «دنیای اقتصاد» بخشی از این تمایلات مطبوعات اقتصادی بود که آرام آرام از سال‌های دهه هشتاد منتشر شد. در همین فضا، دو روزنامه دنیای اقتصاد - ۱۳۸۱ - و کمی بعد روزنامه سرمایه - ۱۳۸۳ - به فاصله انتشار دو سال روی کیوسک مطبوعاتی‌ها آمد.

در هر دو روزنامه مسئله بورس و سازمان آن در هرم تصمیم‌گیری‌های آنان نقش بسزایی ایفا می‌کرد. در روزنامه «دنیای اقتصاد» بنا به تمایلات مدیرمسئول آن به این مسئله حتی بیش از حد متعارف پرداخته شد و در روزنامه «سرمایه» نیز به جهت جایگاه مدیرمسئول آن - دکتر حسین عبده تبریزی - در بالاترین سطح تصمیم‌گیری‌ها سازمان بورس ایران این گرایش به تندی رخ‌نمایی می‌کرد. اما جهت‌گیری‌های این دو روزنامه هم به لحاظ محتوا و به لحاظ شکل و هم تشکیل سازمان تحریریه کاملاً متفاوت بود.

گردانندگان روزنامه سرمایه در مصاحبه‌هایی مدعی شدند که الویت آنان اطلاع‌رسانی بدون غرض و بی‌حسب و بغض بود اما در نهایت آنچه که روی کیوسک مطبوعاتی آمد آنان را طیفی از چپ‌اندیشانی معرفی می‌کرد که تمایلات خود را در یک رسانه حرفه‌ای به رخ دیگران می‌کشید. دکتر ناصر فکوهی، پرویز صداقت، بهمن احمدی‌آمویی، ژیلابنی یعقوب و تنی چند از بدنه اعضای تحریریه سرمایه به روشنی این تمایل را آشکار می‌ساخت. ستون سرمقاله‌ها اگرچه از دکتر محمد طیبیان، غلامعلی فرجادی، مسعود نیلی، کورس صدیقی، محمد مهدی بهکیش یادداشت‌های درج می‌شد اما کلیات مقالات و موضع‌گیری روزنامه که غالباً در تیتراژ اول و دوم منعکس می‌شد گویای این واقعیت بود که گردانندگان روزنامه سرمایه دلمشغولی‌های چگرایانه دارند. اما روزنامه «دنیای اقتصاد» از گام‌های نخست، خود را یک روزنامه «لیبرال» و «اقتصاد بازار» معرفی کرد و بر ابعاد لیبرالیسم جهانی پای فشرد. این لیبرالیسم و اقتصاد بازار با برخی از گردانندگان آن به خوبی برای جامعه مطبوعاتی معرفی می‌شد. دکتر موسی غنی‌نژاد، علی میرزاخانی، صادق جنان‌صفت، فرهنگ فردنیا و با مسامحه‌ای محمود صدیقی تنها نام آوران آن بودند.

روزنامه دنیای اقتصاد مخاطبان خود را تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان اقتصادی و نیز مردمی که در کسب و کار حرفه‌ای اقتصاد بودند معرفی کرد. علیرضا بختیاری - مدیرمسئول روزنامه - مخاطبان خود را در سه گروه معرفی کرد: فعالان اقتصادی، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران اقتصادی، دانشجویان، پژوهشگران رشته‌های مربوط به اقتصاد. (بختیاری، ۱۳۸۷، گفتگوی محقق)

روزنامه دنیای اقتصاد اما در بخشی از اهداف اعلام نشده خود به دنبال بازار وسیعی از فعالین بورس بود. با تهیه صفحات متنوعی از جداول بورس در لابه لای اخبار و یادداشت‌ها و گزارش‌های اقتصادی سعی داشت که بخشی از سهامداران بورس را به سوی روزنامه جلب کند و براساس شواهد نیز موفق هم شد.

بنابراین روزنامه دنیای اقتصاد در ۲۳ آذر ۱۳۸۱ فعالیت مطبوعاتی خود را در یک ساختمان استیجاری آغاز کرد تا بخشی مغفول در جامعه اقتصادی و نیز جامعه مطبوعاتی را پوشش دهد. تیراژ او در همان روزهای نخست نسبت به وضعیت موجود روزنامه اقتصادی قابل ملاحظه بود.

اهداف اولیه روزنامه دنیای اقتصاد به زبان مدیریت روزنامه این چنین اعلام شده‌است: «قصد انتشار، روزنامه‌ای اقتصادی بود که دو قشر را کاملا راضی نگه دارد. ابتدا، قشر اول مدیران و سیاستگذاران اقتصاد کشور و سپس نیازهای قشر دوم یعنی شرکت‌های سهامی، بانک‌ها و بیمه‌ها و بازار سرمایه را تامین نماید. پس از سه سال از انتشار روزنامه، گروه وسیعی از مردم نیز به جرگه مشتاقان روزنامه دنیای اقتصاد پیوستند. سرویس‌های بورس، بانک و بیمه، بازرگانی، حمل و نقل، صنعت و معدن، تشکل‌های اقتصادی، خودرو، جامعه، ورزش، نگاه سوم، تاریخ، تحلیل، جهان و سیاسی مهمترین صفحات روزنامه است.

معایب

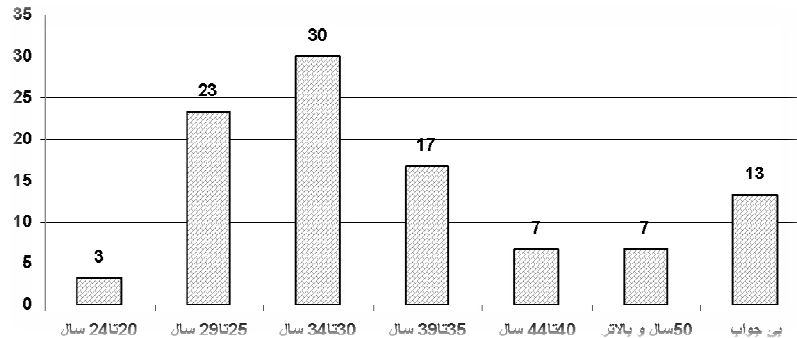
معایب روزنامه دنیای اقتصاد کم و بیش همان معایبی است که در دیگر روزنامه‌های کشور به چشم می‌خورد.

- فضای یکنواخت و تکراری
- دستمزد پایین
- فقدان استانداردهای لازم نیروی انسانی
- تبعیض‌های رایج سازمان‌های تحریریه
- فقدان انگیزه کافی برای فعالیت حرفه‌ای
- کم توجهی به اخبار تولیدی
- فقدان نظام جزا و پاداش
- و مهمتر از همه فقدان درجه بندی صنفی

روزنامه دنیای اقتصاد در جامعه مطبوعاتی در نبود روزنامه پرفروش «آسیا» در سال‌های نخست انتشارش به فروشنده خبر معروف شد. خاصه در مواقع بحران‌های اقتصادی مرز تولید خبر و آگهی بسیار باریک می‌شد. دبیر اسبق سرویس جهان می‌گوید: «شاید مهمترین عیب روزنامه دنیای اقتصاد تبدیل روزنامه نگار به آگهی بگیر بود که ریشه همه معایب روزنامه است.» (براهویی، ۱۳۸۸، گفتگوی محقق)

اول نظارت سردبیر را بر تحریریه محدود می‌کند و روابط روزنامه نگار را با بخش‌های اداری مانند آگهی‌ها و شخص مدیر مسئول مستقیم می‌کند و از محدوده کنترل سردبیر خارج می‌سازد. دوم این موضوع بر محتوای مطالب اثر می‌گذارد و آن را به سمت رپرتاژ آگهی سوق می‌دهد. سوم تفاوت دستمزد بین دو گروه ایجاد می‌کند که اولی در اثر کاری غیرمعمول و دومی به دلیل صرف تعهد به روزنامه‌نگاری از آن محروم شده‌است. نقصان دیگر روزنامه دنیای اقتصاد این است که اغلب روزنامه نگاران با سوابق حرفه‌ای پایین و در درجه سنی پایین‌تر به کار روزنامه‌نگاری مشغول می‌شوند و مهمتر آنکه روزنامه از وجود افراد با سابقه تقریباً محروم شد. طبق نظر سنجی همین تحقیق افراد دارای سن بالای ۴۰ سال و بیش از ۱۵ سال تجربه تنها ۷٪ از اعضای تحریریه این روزنامه را شامل می‌شود.

شاخصه‌های سنی روزنامه نگاران دنیای اقتصاد

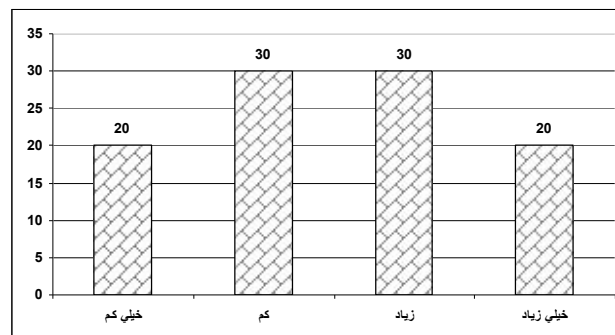


✓ در این نمودار نشان می‌دهد که بیش از ۵۰٪ از روزنامه نگاران این روزنامه بین سنین ۲۵-۳۴ سال سن دارند.

یکی دیگر از معایب این روزنامه، دستمزد اعضای بخش خبر است که بیش از دیگر سرویس‌های تحریریه است. بنابراین آنچه که مدیران روزنامه دنیای اقتصاد مدعی آن بودند، از سوی مدیران ارشد آن و نیز کم و بیش در نظر سنجی‌ها نقض شد. در همین مصاحبه دبیر اسبق خبر در برابر این پرسش که آیا نحوه اداره سازمان تحریریه علی‌رغم سیاست‌های لیبرالی روزنامه، یک روش سوسیالیستی نبود؟ پاسخ داد «شاید عبارت "سنتی" بهتر از سوسیالیستی باشد. افراد در دنیای اقتصاد به دو گروه تقسیم می‌شدند. کسانی که از انواع فعالیت‌های جاری در روزنامه نفع می‌بردند و کسانی مانند گروه خبر یا بین الملل که هیچ منبع درآمدی غیر از حقوق ماهانه نداشتند.» (شمس، ۱۳۸۸، گفتگوی محقق)

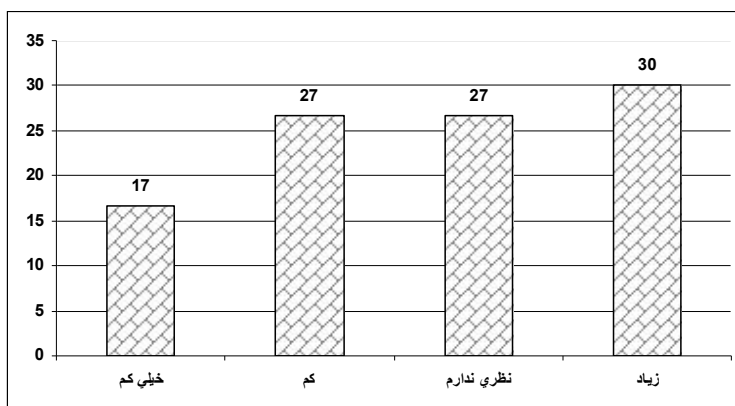
یکی دیگر از معایب عمده روزنامه دنیای اقتصاد نگاه محافظه کارانه آن نسبت به خطاهای دولت و بدنه آن بود. این روزنامه بر آن بود که ناتوانی‌ها و کاستی‌های دولت را یا نبیند یا به نوع محافظه کارانه‌ای به آن بپردازد. از مشاهدات روزانه اخبار و گزارش‌های روزانه تولیدی این چنین استنباط می‌شود که این روزنامه در نقد دولت بیشتر روند محافظه کارانه را بر می‌گزیند.

اما از دید این نظر سنجی می‌توان مدیریت سلیقه‌ای را در رعایت ساعات کاری مشاهده نمود. دقیقاً بین روزنامه نگارانی که موظف به رعایت ساعات کاری بودند و کسانی که مقید نبودند یک نسبت مساوی برقرار شده است. به عبارت آماری، در این نظرسنجی ۵۰٪ اعلام داشته اند که مقید به ساعت اداری هستند و ۵۰٪ دیگر مقید به ساعت اداری نبودند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که روزنامه نسبت به ارتباط افراد با مدیریت تعریف جداگانه‌ای برقرار می‌کند.

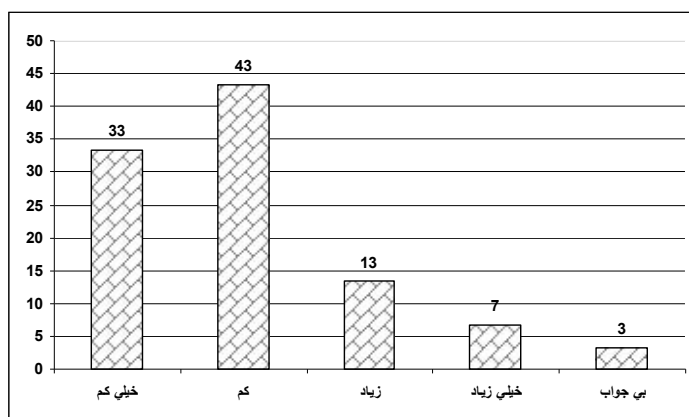


معایب دیگر این روزنامه این بود که مدیریت روزنامه تمهیدات و محملی برای روزنامه نگاران فراهم نمی‌ساخت که چنانچه روزنامه‌نگاری به درجه بالاتری ارتقاء یابد یک اهمیت ویژه‌ای به او افزوده شود. چنانچه در این نظرسنجی آمده

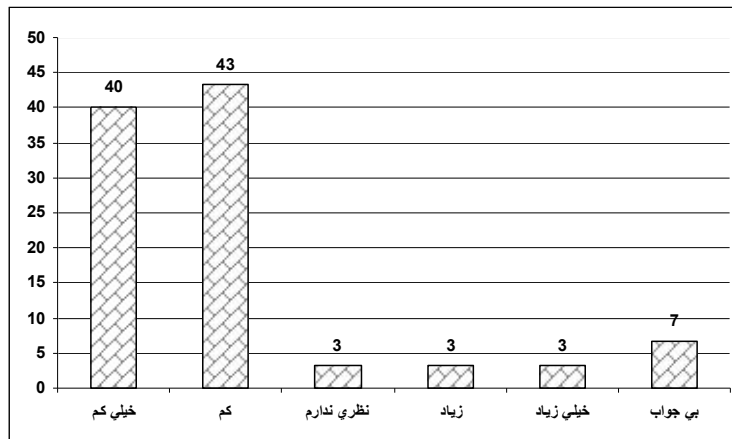
است ۴۴٪ از روزنامه نگاران اعتقاد داشتند که احراز رتبه و مرتبه شغلی چندان تاثیری در جایگاه اجتماعی و حرفه‌ای آن‌ها در سازمان تحریریه ایفانمی کرد.



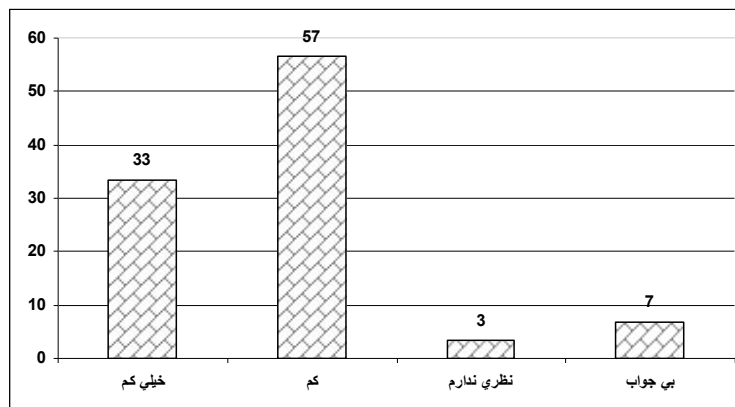
از سوی دیگر، نسبتاً ۷۷٪ (کم و خیلی کم) از روزنامه نگاران روزنامه دنیای اقتصاد معتقد بودند که تاکنون مشمول هیچگونه "آموزش و تخصصی در حین کار" در این رسانه نشدند. این بدان معنی است که روزنامه تاکنون چندان اهمیتی به تخصص و آموزش روزنامه نگاران خود نداده است.



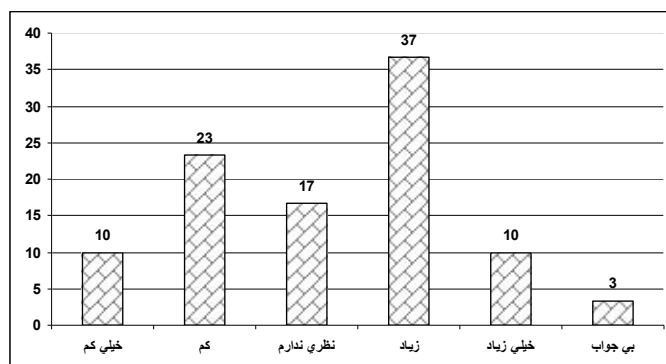
در گویه دیگری علیرغم آنکه نیمی از روزنامه نگاران اعلام داشته اند موظف به رعایت ساعات کاری بوده اند اما این رعایت چندان در پرداخت حقوق شان موثر نبوده است. در گزینه‌ای ۸۳٪ روزنامه نگاران معتقد بودند که حجم و ساعات کار تاثیر چندان در حقوق ماهانه این‌ها ندارد.



یکی دیگر از معایب این روزنامه این بوده است که ۸۵٪ از روزنامه نگاران در روزنامه دنیای اقتصاد اعلام داشته اند که تحصیلات عالی هیچگونه تاثیری در وضعیت شغلی و مالی اینان ندارد. و ۷۶٪ از روزنامه نگاران معتقدند که سطح تحصیلات آنان در روزنامه دنیای اقتصاد تاثیر چندانی در میزان رتبه و جایگاه سازمانی - شغلی آنان نیز ایفانمی کند.



یکی از ابعاد تبعیض در این گویه گنجانده شده بود که آیا روزنامه نگاران تسهیلاتی که استفاده می کنند ناشی از یک کیفیت و بهبود عملکرد آنهاست؟ که ۵۴٪ اعلام داشتند که این تسهیلات ارتباطی با نوع و کیفیت کاری آنها نداشته است. از سوی دیگر، ۶۷٪ از روزنامه نگاران با انتخاب گزینه "کم و خیلی کمی" به نحوه پرداخت دستمزد اعتراض نموده اند. و به همین نسبت از پاسخ دهندگان روزنامه دنیای اقتصاد رضایتی از نحوه استاندارد ارتقاء و رتبه بندی روزنامه از موقعیت فعلی خود نداشته اند و حتی ۲۳٪ هم راضی به پاسخ نبودند. و بیش از ۵۷٪ از پاسخ دهندگان از کیفیت اصول اخلاقی حاکم بر روزنامه رضایت نداشتند. ۴۷٪ از پاسخ دهندگان معتقد بودند که محتوای تولیدی این رسانه از وجود مطالب خبر - آگهی در کارکرد پنهان خود بهره می گیرد.



رضایت نسبی روزنامه نگاران از وضعیت کلی و نسبی فعالیت در این روزنامه با ۳۷٪ در غالب عبارات "زیاد" و "خیلی زیاد" معتقد بودند که موفقیت و توسعه این رسانه در بهبود زندگی و فعالیت های حرفه ای آنان تاثیر گذار است و ۴۷٪ در غالب عبارات "کم" و "خیلی کم" اعتقادی به تاثیرگذاری نداشتند. تنها ۴۰٪ با تمایل "کم" و "بسیار کمی" احساس مفید بودن در این روزنامه را داشتند. ۵۰٪ از پاسخ دهندگان این رسانه معتقد بودند که سردبیر به نسبت کمی جویای مسایل و مشکلات سازمانی کارکنان خود است.

۵۰٪ از پاسخ دهندگان کیفیت تعامل و ارتباط حرفه ای مدیر مسئول روزنامه دنیای اقتصاد را با اعضای تحریریه "کم" و "خیلی کم" دانستند. و تنها ۲۳٪ از روزنامه نگاران ارتباط سازمانی سردبیر با اعضای تحریریه را رضایت بخش دانسته و ۴۶٪ رضایت چندانی نداشتند و حتی ۲۳٪ نیز حاضر به پاسخ گویی نشدند.

اما شاید مهمتر از همه آنکه تنها ۴۳٪ از روزنامه نگاران معتقد بودند که این رسانه به چارچوب، استراتژی و خط مشی کلی خود پایبند است.

محاسن

روزنامه دنیای اقتصاد طی نزدیک به هفت سال با انتشار دائمی و بلافاصل روزنامه توانست جایگاه مناسب و مطلوبی در بین مطبوعات اقتصادی بیابد. سازمان تحریریه منسجم و بخش های متعدد توانست نسبت به دیگر روزنامه های موجود اقتصادی از شاخص های مناسب تری برخوردار باشد. این روزنامه با فاصله گرفتن از آمیختگی آگهی - خبر در سالهای اخیر به تدریج رویه مستقلی را پیش گرفت. اگرچه هنوز به شاخص مطلوب و استقلال کاملی دست نیافت اما کم و بیش می توان به اخبار و گزارش های آن اکتفا نمود.

روزنامه سرمایه

روزنامه اقتصادی «سرمایه» دقیقاً در آخرین سال و آخرین ماههای ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی منتشر شد. این روزنامه را دکتر حسین عبده تبریزی استاد اقتصاد و مدیریت دانشگاه تهران مدیریت می کرد که فارغ التحصیل رشته اقتصاد از دانشگاه منچستر انگلیس بود و در زمان انتشار روزنامه، وظیفه دبیر کلی سازمان بورس ایران را به عهده داشت.

نخستین سردبیر روزنامه سرمایه، ایده استخدام روزنامه نگاران خود را این گونه اعلام کرد «ایده من این بود که به جای جذب خبرنگاران روزنامه های اقتصادی، خبرنگاران سیاسی روزنامه های توقیف شده را به کار بگیرم، زیرا آنها کسانی اند که به دلیل آرمان خواهی های خود، وارد بحث آگهی نمی شوند.

در حال حاضر در روزنامه بدنه کارشناسی حاکم نیست. اتکا به اخبار تلویزیون، بخش مهمی از آن است، و در موردشان بررسی هم می‌شود تا در صفحه گذاشته شوند، اما این گونه نیست که تولید فکر داشته باشند و تولید کننده خبر باشند یا خبری را کشف کنند. آنچه را که هست ما پیش می‌برند.»

معایب

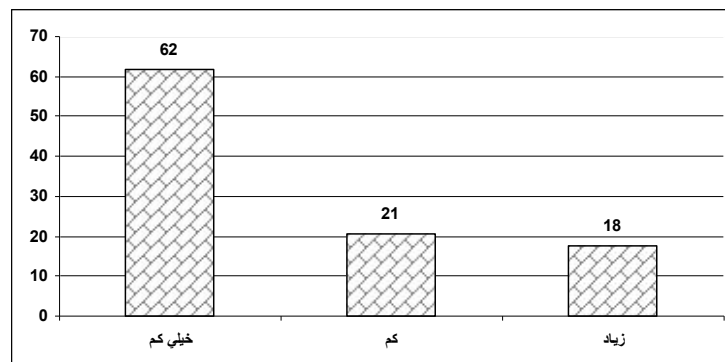
روزنامه سرمایه از همان روزهای نخست به تقریب همان راهی رفت که روزنامه «فردا» با مدیریتی دکتر احمد توکلی وزیر اسبق کار - در سال‌های دهه ۷۰ رفته بود و منجر به شکست روزنامه او شد. روزنامه «فردا» متعلق به جناح راست سنتی بود. فردا از عکس و درج آگهی خودداری می‌کرد و به دنبال آن بود که یک روزنامه تحلیلی را در جامعه مطبوعاتی ایران رایج نماید.

مهمترین منبع درآمدزایی روزنامه بخش جذب آگهی بود که می‌توان با قاطعیت گفت که دست اندرکاران روزنامه چندان به تاسیس آن علاقه نشان نمی‌دادند. روزنامه تا ماهها هیچگونه آگهی جذب نکرد و به دنبال مطالب تئوریک و چالش‌های جدی اقتصاد ایران بود.

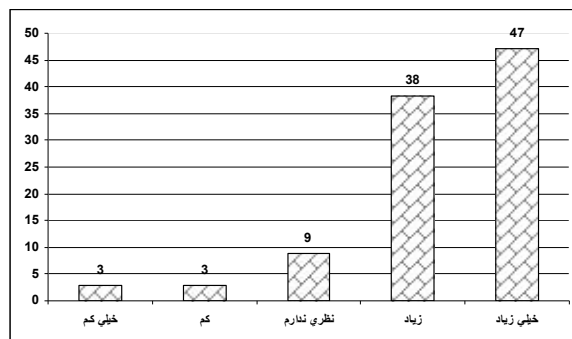
سردبیر نخست روزنامه سرمایه: «براساس تجربه‌ای که پیش از آن، در روزنامه‌های اقتصادی و در جایگاه مدیر عامل داشتم، مشکلاتی را در آنجا مشاهده می‌کردم این بود که روزنامه‌ها نوع تعاملشان با بنگاه‌های اقتصادی ناسالم و اطلاع رسانی آنها نادرست بود، اگر آگهی‌های شرکت‌ها به موقع درج شود خبرهای جانبدارانه به نفع آنها منتشر می‌شود و یا اگر تعهد خود را به درستی انجام نمی‌دادند و انتظارات روزنامه را برآورده نمی‌کردند، برضد آنها اخبار را منعکس می‌کردند.» (صداقت، ۱۳۸۸، گفتگوی محقق)

او می‌گوید: «روزنامه نباید خود را درگیر تبلیغات و جذب آگهی نماید. بنابراین وقتی دولت یارانه‌های این روزنامه را قطع نمود و هزینه کاغذ و چاپ هم به صورت سرسام آوری افزایش یافت، تنها راه برای بقای این نوع روزنامه‌ها جذب آگهی بود که با ممانعت مدیران روزنامه این محل از درآمد هم قطع گردید.» اما این‌ها معایب از دید مدیران روزنامه سرمایه بود.

روزنامه نگاران نیز در اداره سازمان تحریریه با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. در همین نظرسنجی آشکار شد که ۸۳٪ از روزنامه نگاران این روزنامه اعلام داشته‌اند که از «تسهیلات آموزش حین کار» بهره‌ای نمی‌برند. این بدان معنی است که روزنامه تسهیلاتی برای آموزش‌های دوره‌ای روزنامه نگاران اهمیتی قائل نمی‌شود. بنابراین روزنامه‌نگاری که طی ۵ سال اخیر در این روزنامه مشغول به کار بوده همان دانشی را به کار می‌گیرد که در روز نخست از آن بهره‌مند بود.



در بخش دیگری، ۸۵٪ از روزنامه نگاران معتقدند که روزنامه، آنان را به شدت موظف به رعایت ساعت کاری می‌کند. برخی از روزنامه نگاران حتی نسبت به رعایت وظایف کاری شان از سوی سردبیر اخطار گرفتند. اما آنان اعتقاد دارند که روزنامه‌نگاری چندان به ساعت کاری ارتباط مستقیمی ندارد و روزنامه نگار باید در طی شبانه روز درگیر تهیه خبر و گزارش باشد.



از بین همین تعداد روزنامه نگاران، ۶۵٪ از روزنامه نگاران نیز اعلام داشته اند که رعایت ساعات کاری برای ادامه کار و نیز در کیفیت کاری آنان چندان اثر بخش نیست. در این تحقیق ۸۵٪ از روزنامه نگاران نیز اعلام داشته اند که از میزان دستمزد دریافتی خود رضایت چندانی ندارند.

از سوی دیگر، ۸۰٪ از روزنامه نگاران این روزنامه اعتقاد دارند که رابطه‌ای بین سطح تحصیلات و دستمزد دریافتی وجود ندارد و ۷۳٪ آنان نیز اعلام داشته اند که سطح تحصیلات آنان تناسبی با جایگاه سازمانی آنها ندارد. در واقع آنچه که افراد را در جایگاه سازمانی قرار می‌دهد نه دانش و تخصص، بلکه تجارب یا احیاناً ارتباطی است که با سردبیری روزنامه ایجاد می‌کنند.

شاید یکی از مهمترین معایب روزنامه سرمایه، روابط حرفه‌ای و صنفی سردبیر با اعضای تحریریه است. ۶۳٪ از روزنامه نگاران اعلام داشته اند که سردبیر روزنامه پیگیر روند فعالیت حرفه‌ای روزنامه نگاران این روزنامه نیست. و ۵۴٪ نیز اعلام داشته اند که سردبیر جوایز رفیع و رجوع مشکلات سازمانی آنها نمی‌شود. ۸۰٪ از روزنامه نگاران نیز اعلام داشته اند که فضای تکنولوژیک و ابزار رسانه‌ای این روزنامه متناسب با فضای امروز رسانه‌های معتبر نیست. ۶۴٪ از روزنامه نگاران معتقدند که کیفیت تعامل و ارتباط حرفه‌ای مدیر مسئول روزنامه با اعضای تحریریه مطلوب نیست.

بدین ترتیب آنچه که روزنامه سرمایه را به وضعیت کنونی مبدل نموده است فقدان امنیت اقتصادی و صنفی در سازمان تحریریه و نیز فقدان بهینه چگونگی تامین مالی از سوی تامین کنندگان این روزنامه است که در این تحقیق دقیقاً به سازمانی مربوط می‌شود که قرار است هزینه‌های سخت افزاری و نرم افزاری روزنامه را تامین نماید. شاید به همین دلیل است که دل‌بستگی و عشق به فعالیت روزانه در متن این سازمان رخت بر بسته است.

دبیر ارشد سرویس اجتماعی روزنامه سرمایه می‌گوید: «به نظرم، روزنامه سرمایه، تحریریه عاشق کار ندارد. به این دلیل که افراد روزنامه نگار معمولاً به خاطر انگیزه‌های اجتماعی وارد این کار می‌شوند.» (تخیری، ۱۳۸۸، گفتگوی محقق)

محاسن

روزنامه سرمایه در یک بعد از کارکرد و رسالت خطیر مطبوعاتی توانست آن اعتماد لازم را بین خود و مخاطبان خویش برقرار سازد. از دید بسیاری از کارشناسان رسانه‌ها، روزنامه سرمایه با ارائه اخبار روز و اطلاع رسانی به موقع و نیز

پیگیری منصفانه وقایع و رخداد‌های اقتصاد - سیاسی کشور به تدریج توانست آن حس اعتماد را به مخاطبان خود منتقل سازد. انتظاری که روزنامه دنیای اقتصاد به دشواری می‌تواند این درجه از اعتماد را تأمین نماید. در نهایت، این روزنامه نسبت به اهداف اولیه خود نسبت به آنچه که در اساسنامه خود اعلام داشته بود از دید روزنامه نگاران این روزنامه نمره نسبتاً قابل قبولی دریافت نماید. حسن دیگر این روزنامه به روز بودن آن در عرصه‌های مختلف خبری است که آن را نسبت به بسیاری از روزنامه‌های اقتصادی دیگر متمایز می‌نماید. روزنامه سرمایه نه تنها نسبت به وقایع روز حساسیت مطلوبی از خود نشان داد بلکه در فرایند اتفاقات ریز و درشت گاهی تا هفته‌ها یک خبر را در کانون و میدان خبری روزنامه خویش قرار می‌داد.

رد و قبول فرضیات:

- ۱- به نظر می‌رسد ارتقاء و منزلت منابع انسانی در کیفیت روزنامه موثر است. (تایید)
به عبارت دیگر، بین ارتقاء منابع انسانی (متغیر وابسته) و افزایش کیفیت روزنامه (متغیر مستقل) رابطه معنی دار وجود دارد. در واقع این مسئله مبین این نکته است که با ارتقاء منابع انسانی، کیفیت روزنامه نیز افزایش می‌یابد.
- ۲- به نظر می‌رسد سطح دانش و تخصص روزنامه نگاران در کیفیت روزنامه‌های فوق‌الذکر و فعالیت آنان موثر نباشد (تایید)
به عبارت دیگر، بین افزایش کیفیت و بهره‌وری روزنامه‌ها (متغیر وابسته) و تخصص و دانش روزنامه نگاران (متغیر مستقل) رابطه معنی دار وجود دارد. در واقع این مسئله مبین این نکته است که با افزایش سطح تخصص و دانش روزنامه نگاران، کیفیت روزنامه‌ها افزایش یافته و بهره‌وری آنها افزایش می‌یابد.
- ۳- به نظر می‌رسد دستمزد روزنامه نگاران در این روزنامه‌ها براساس حجم کار یا ساعات کار باشد. (تایید)
به عبارت دیگر، کیفیت محتوایی چندان در این روزنامه جایگاهی ندارد و چون کیفیت کار روزنامه نگاران مد نظر نیست بنابراین بیشتر به حکم کمی ساعات کاری توجه می‌شود.
- ۴- به نظر می‌رسد تعامل مدیران ارشد روزنامه در روزنامه‌های فوق‌الذکر بر بازده منابع انسانی موثر باشد. (تایید)
به عبارت دیگر، بین کارایی منابع انسانی (متغیر وابسته) و تعامل مدیران ارشد روزنامه (متغیر مستقل) رابطه معنی دار وجود دارد. این بدین معنی است که هر چقدر تعامل بین مدیران ارشد روزنامه بیشتر شود، بر کارایی منابع انسانی نیز افزوده می‌شود.
- ۵- به نظر می‌رسد که روزنامه نگاران این روزنامه‌ها احساس فایده و ارزشمندی نمی‌کنند. (مردود)
به عبارت دیگر، نوع همکاری روزنامه نگاران به روزنامه به گونه‌ای است که روزنامه نگاران احساس مفید بودن دارند. به رغم آنکه احساس می‌شود که این رابطه در آنها وجود ندارد.
- ۶- به نظر می‌رسد تسهیلات و مزایای روزنامه نگاران براساس حجم کار و یا کیفیت کاری محاسبه نمی‌شود. (تایید)
به عبارت دیگر، بین تسهیلات و مزایای روزنامه نگاران (متغیر مستقل) و حجم یا کیفیت کاری روزنامه نگاران در روزنامه‌های مورد بررسی (متغیر وابسته) رابطه معنی دار وجود دارد. در حقیقت این مسئله بدین معنی است که تسهیلات و مزایای تعلق یافته به روزنامه نگاران بر حجم و کیفیت کاری آنها در این روزنامه‌ها، اثر گذار است.

۷- به نظر می‌رسد روزنامه نگاران براساس فعالیت خود از ارتقاء سازمانی برخوردار نیستند.

به عبارت دیگر، روزنامه نگاران براساس سنوات سال ارتقاء پیدا می‌کنند. روزنامه نگاران در این دو روزنامه همانند سازمان‌های نظامی براساس فعالیت و خلاقیت خود رشد نمی‌کنند بلکه بیشتر براساس میزان گذشت سال ارتقاء سازمانی پیدا می‌کنند.

۸- بین تخصص، دانش مدیران و بالا بردن کیفیت و بهره‌وری روزنامه‌های فوق‌الذکر و فعالیت آنان رابطه یا تفاوت معنی‌دار وجود دارد. (تایید)

به عبارت دیگر، بین بالا بردن کیفیت و بهره‌وری روزنامه‌های (متغیر وابسته) و تخصص و دانش مدیران (متغیر مستقل) رابطه معنی‌دار وجود دارد. در واقع این مسئله مبین این نکته است که با افزایش آگاهی و دانش و سطح تخصص مدیران، کیفیت روزنامه فزونی یافته و بر بهره‌وری در آن افزایش می‌یابد.

۹- به نظر می‌رسد روند جابجایی روزنامه نگاران از یک روزنامه به روزنامه دیگر یا از یک سرویس به سرویس دیگر روند رضایت بخشی را طی نکند. (مردود)

به عبارت دیگر، بین روند جابجایی روزنامه نگاران از یک روزنامه به روزنامه دیگر یا از یک سرویس به سرویس دیگر (متغیر مستقل) و رضایت بخشی آنان (متغیر وابسته) رابطه معنی‌دار وجود ندارد.

۱۰- به نظر می‌رسد کیفیت آموزشی و مهارت‌های تخصصی در کیفیت روزنامه اثر گذار باشد. (تایید)

به عبارت دیگر، روند کیفی آموزش روزنامه نگاران می‌تواند در کیفیت و خروجی روزنامه موثر باشد. مهارت‌های تخصصی که این سالها در روزنامه‌ها جایگاه مطلوبی یافته اگر چنانچه در روزنامه‌های فوق‌الذکر جدی گرفته نشود به تدریج به افول آن منجر می‌شود.

۱۱- به نظر می‌رسد فضای تولید خبر و تولید آگهی از قوانین حرفه‌ای برخوردار نباشد. (مردود)

به عبارت دیگر، فضای تولید خبر و آگهی در این دو روزنامه کاملاً منفک و جدا از هم تعریف شده‌است و ارتباط و خلطی از حیث آمیزش آگهی با خبر در آنها وجود ندارد.

۱۲- به نظر می‌رسد روزنامه‌های موجود به نسبت در خط مشی و استراتژی خود پایبندی ندارند. (تایید)

به عبارت دیگر، بین سرمایه و خط مشی روزنامه (متغیر مستقل) و درج خبر در روزنامه‌های مورد بررسی (متغیر وابسته) رابطه معنی‌دار وجود دارد. در واقع این مسئله مبین این نکته است که خبرهای مندرج در روزنامه‌های مورد بررسی، متأثر از سرمایه و خط مشی کلی حاکم بر این روزنامه‌ها است.

نتیجه تحقیق

آنچه در سازمان‌های تحریریه این دو روزنامه به چشم می‌خورد همان ویژگی‌ها و معایبی است که کم و بیش در دیگر روزنامه‌ها موجود است.

- فضای یکنواخت و تکراری
- دستمزد پایین

- فقدان استانداردهای لازم نیروی انسانی
- تبعیض‌های رایج سازمان‌های تحریریه
- فقدان انگیزه کافی برای فعالیت حرفه‌ای
- کم توجهی به اخبار تولیدی
- فقدان نظام جزا و پاداش
- و مهمتر از همه فقدان درجه بندی صنفی

* تحریریه‌ها در این دو روزنامه همانند بسیاری از روزنامه‌های موجود دیگر، پس از تاسیس و سپری شدن روزهای نخست که همواره با التهابات فراوان همراه است آرام آرام به صورت یکنواخت و تکراری اداره می‌شوند. بیشتر به این جهت که خبر روز و داغ چندان مورد توجه آنان نیست و قرار است تنها یک روزنامه‌ای منتشر شود تا از قبل آن آگهی و تعداد مشترکان آن افزوده شود. در پرتو این نوع معادلات است که روزنامه نگار به تدریج آرام و بی‌انگیز می‌شود.

* تعداد نیروی انسانی در این روزنامه‌ها غالباً پرجمعیت و سرویس‌ها متعدد است و چون مدیران این روزنامه‌ها چندان فعالیت تخصصی در پیش ندارند، بنابراین سعی می‌کنند که از روزنامه نگاران معمولی و مبتدی استفاده کنند. در جریان این نوع گزینش است که حقوق و دستمزدها به تدریج کاهش می‌یابد و به حداقل قانون کار نزدیک می‌شود. و چون روابط بین مدیر و روزنامه نگار در این سطح است و تامین مالی به حدی از استاندارد می‌رسد طبیعی است که تشنگی روزنامه نگار به آگهی و اعمال خلاف قاعده افزایش یابد و حداقل‌های اخلاق حرفه‌ای زیر پا گذاشته شود.

* آنچه که در این دو روزنامه مشاهده شد آن بود که تنها ۲۰ درصد از روزنامه نگاران با استانداردهای لازم و مناسب روزنامه‌نگاری کنونی منطبق بوده و باقیمانده از استانداردهای معمولی هم بعضاً پایین‌تر محسوب می‌شدند. این فقدان به تدریج باعث شده که روزنامه از کیفیت و تکاپوی واقعیت بدور بماند.

* بنا به آنچه که در این تحقیق مشاهده شد روزنامه‌ها چون به لحاظ استانداردها و کیفیت سازمان‌های تحریریه در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برند. بنابراین این طبیعی است که قواعد اخلاقی و حرفه‌ای در آن به درستی رعایت نمی‌شود. یکی از مهمترین یافته‌های این تحقیق این بود که قواعد حرفه‌ای در این دو روزنامه غالباً نادیده گرفته می‌شود. از سوی دیگر، وقتی استانداردها در روزنامه لحاظ نمی‌شود و روزنامه نگار وظایف خود را به درستی نمی‌داند مدیران روزنامه بنا به سلاقی و علاقی خود عمل می‌کند و دقیقاً تبعیض در همین نقطه آغاز می‌شود. آنچه که در این تحقیق یافته شد روزنامه دنیای اقتصاد بیشتر از سرمایه دچار این نوع تبعیضات شده است.

* در این پژوهش به این یافته دست یافته ایم که روزنامه چون با استانداردهای لازم روزنامه‌های جهانی پیش‌نمی‌رود به تدریج همه متغیرها و شاخص‌ها به پایین منحنی نزول می‌کند. و یکی از آفات این نوع سازمان‌ها هم این خواهد بود که روزنامه نگاران چون براساس شایستگی و توانایی خود دستمزد دریافت نمی‌کنند و نیز ارتقاء سازمانی نمی‌یابند دچار رخوت و بی‌انگیزی می‌شوند. این بی‌اعتنایی ابتدا در کیفیت مطالب آنان دیده می‌شود و سپس در کمیت آن بوجود می‌آید.

* در این پژوهش در هر دو روزنامه این آفت وجود داشت که روزنامه‌ها به تدریج به سمت اخبار خبرگزاری‌ها سوق یافته و کمتر اخبار تولیدی داشتند. اگرچه روزنامه سرمایه از بسیاری جهات رو به بهبود بود اما آن هم بنا به ملاحظات سیاسی و اجتماعی کمتر به سمت اخبار تولیدی گام برداشت. البته یکی دیگر از آفات گرایش محدود این دو روزنامه به اخبار تولیدی این بود که معیاری برای آن در نظر گرفته نشده بود. وقتی معیار صفحات روزنامه تنها به کمیت باشد نتیجه همان خواهد شد که در صفحات پربرگ این دو روزنامه شاهد بودیم.

* آنچه در این دو روزنامه دریافت شد این بود که همه چیز به سمت یکنواخت شدن و یکی شدن پیش می‌رفت. بنابراین استانداردهای لازم و شایسته روزنامه‌نگاری نیز نادیده گرفته شد. در این نوع سازمان هاست که جزا و پاداشی در کار نیست. روزنامه‌های دنیای اقتصاد و سرمایه تنها براساس حضور و ساعات کاری روزنامه نگاران را ارزیابی می‌کردند. اگرچه سردبیران دو روزنامه در مصاحبه‌هایی با ما به این نکته توجه داشتند که اداش و جزا در سیستم سازمانی آنها وجود دارد اما در تحقیق پیمایشی به این اطلاعات دسترسی پیدا نکردیم

* شاید همه نکات بالا معلول علتی است که از آن به عنوان فقدان نظام صنفی و رده بندی از آن سخن رانده می‌شود. آنچه که یکنواختی و یکسانی از آن سخن گفته می‌شود و نیز فقدان نظام جزا و پاداش بیش از همه آنها فقدان نظام صنفی است که چنین آفت‌هایی را بوجود می‌آورد. در هر دو روزنامه اگر چه یک نظام نیم بند صنفی و درجه بندی سازمانی وجود دارد اما این نظام بیشتر به سود کار فرماست. آنچنان که در این پژوهش آمده است نظامی که همه را به یک قانون صف می‌کند و تحت انقیاد در می‌آورد.

فهرست منابع:

- ارکان زاده یزدی، سعید، مدیریت سازمانی فرهنگی و حرفه‌ای، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده ارتباطات علامه طباطبایی، ۱۳۸۳
- بختیاری، علیرضا، مدیر مسئول روزنامه دنیای اقتصاد، گفتگوی منتشر نشده محقق، ۱۳۸۷
- براهویی، نرجس، دبیر سرویس جهان روزنامه دنیای اقتصاد، گفتگوی منتشر نشده محقق، ۱۳۸۸
- پیکارد، جی رابرت، اقتصاد رسانه‌ها، حیدری، داوود، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۳، ص ۷
- تخیری، نسرين، دبیر ارشد سرویس اجتماعی روزنامه سرمایه، گفتگوی منتشر نشده محقق، ۱۳۸۷
- شمس، حامد، دبیر ارشد خبر، روزنامه دنیای اقتصاد، گفتگوی منتشر نشده محقق، ۱۳۸۸
- صداقت، پرویز، سردبیر اسبق روزنامه سرمایه، گفتگوی منتشر نشده محقق، ۱۳۸۸
- کونتز، هرولد، اصول مدیریت، جلد دوم، فرهنگی، علی اکبر، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۰، ص ۲۳۳
- محکی، علی اصغر، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده ارتباطات علامه طباطبایی، ۱۳۷۷
- مسعودی، امید علی، رضایتمندی شغلی روزنامه نگاران زن، رساله دکترا، دانشکده ارتباطات علامه طباطبایی، ۱۳۸۱
- معتمدنژاد، کاظم، استقلال تحریریه‌ای و مشارکت در مالکیت رسانه‌ها، همشهری آنلاین، ۱۳۸۷